



امام خمینی رحمته الله علیه و متحجرین مقدس نما

فهرست مطالب

انجمن حجتیه: از ترویج سکولاریزم تا تحجرگرایی	۳
اتحاد در مقابل مقدس‌نمایان احمق	۷
نفوذ با شعار جدایی دین از سیاست	۸
خون دل خوردن امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small> از متحجرین	۹
ترویج تفکر "شاه سایه خداست"	۱۰
خنجر تحجر بر گرده‌ی ملت در ۱۵ خرداد	۱۱
شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز	۱۲
تهمت وهابیت به روحانیون انقلابی	۱۳
از سکوت در مقابل فساد و فحشا تا فریاد "وا اسلاما"	۱۴
تحریم نبرد با دشمن خدا	۱۵
ساده‌اندیشی ممنوع!	۱۶



مجمع خالان فرق، ادیان، اقوام و مذاهب

سردبیر: حجت الاسلام علی گودرزی

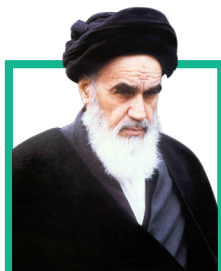
دبیر: حجت الاسلام مجید گودرزی

طراحی: محمود اشتیری

کد پستی: ۳۷۱۳۱۱۴۹۶۴۸

آدرس الکترونیک: mafam121@chmail.ir

شماره سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۰۲۸۵۸



امام خمینی رحمته الله

خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده است.

صحیفه امام رحمته الله ج ۲۱ صفحه ۲۷۹



امام خامنه‌ای دام ظلّه

اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است، اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرت‌های مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی می‌کنند، یک جاهایی آنها را کمک می‌کنند؛ اسلام ناب در مقابل آنها است؛ اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می‌شود.



۱۳۹۵/۰۳/۱۴

انجمن حجتیه؛ از ترویج سکولاریزم تا تحجرگرایی

مجید گودرزی
معاون راهبردی مقام



مقدمه

یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهای هر جامعه‌ای، حرکت خزنده فرقه‌گرایی که منجر به افراط‌گرایی در آن جامعه خواهد شد، می‌باشد. از جمله عوامل تشکیل فرقه و حرکت‌های افراطی؛ می‌توان به دوری از تعقل و اجتهاد، روحیه خودرأیی و تفسیر به رأی سران و رهبران فرقه‌ها و همچنین فقدان زیرساخت‌های معرفتی و اخلاقی اشاره کرد. در این ویژه‌نامه قصد داریم به موضوع مقدس‌مآبان

متحجر و خطرات نفوذ آنان در پست‌های کلیدی نظام مقدس جمهوری اسلامی بپردازیم. یکی از مصادیق مقدسین روحانی‌نمای دین فروش "انجمن خیریه حجتیه مهدویه" است.

مختصری از تاریخچه انجمن و موسس آن

انجمن حجتیه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ابتدا با نیت نشر معارف اسلام و دفاع از اسلام و مقابله با جریان‌های ضد دین علی‌الخصوص فرقه ضاله بهائیت که تحت حمایت حکومت

اختلاف و جدایی بین رهبران حزب مؤتلفین اسلامی مشهد، اختلاف بین رهبران نهضت ملی شدن نفت و مهم‌تر از همه ناامیدی از تغییر وضعیت و بی فایده دیدن مبارزه با رژیم پهلوی اشاره کرد.

انحرافات فکری و رفتاری انجمن

از جمله انحرافات فکری و رفتاری انجمن حجتیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ نفی علوم عقلی و عرفان نظری، اعتقاد به دین منهای سیاست، معرفی بهائیت به عنوان تنها و اصلی‌ترین دشمن و غفلت از دشمن اصلی اسلام و حامی فرقه ضاله بهائیت یعنی رژیم پهلوی، باطل دانستن قیام‌های پیش از ظهور، بی‌معنا بودن جهاد در دوران غیبت، ترویج نظریه اسلام منهای روحانیت، رویکرد ضدوحدت اسلامی، ترویج تفکرات نادرست در مورد مهدویت و زمینه‌سازی ظهور، نفوذ در مناصب حساس و کلیدی نظام، همراهی و هم‌سویی با استکبار و ایجاد شبهه در مشروعیت نظام اسلامی و

تغییر چهره انجمن پس از پیروزی انقلاب

انجمن حجتیه طی سال‌های متمادی و ضمن ایجاد حاشیه امن برای فعالیت‌های خود در سایه همکاری با رژیم پهلوی و ساواک^۱ توانسته بود تعداد زیادی از جوانان مذهبی و دانشگاهی را با تربیت در دوره‌های

ستم‌شاهی پهلوی رشد و نمو کرده بود، تشکیل شد. اما بعدها مسیر خویش را از گروه‌های مذهبی و انقلابی جدا کرده و نه تنها هیچ کمکی در دوران سخت انقلاب اسلامی به مردم ایران نکرد، بلکه با ایجاد شبهه در صفوف مبارزین انقلاب و همکاری با رژیم پهلوی و ساواک، نفوذ در مناصب حساس انقلاب اسلامی، هم‌سویی و همکاری با استکبار جهانی در ایجاد شبهه نسبت به مشروعیت انقلاب اسلامی و ایجاد اختلاف میان مذاهب اسلامی داخل کشور و ... ضربات و صدمات زیادی به انقلاب مردم ایران وارد کرد.

مؤسس انجمن شیخ محمود ذاکر زاده تولائی حلبی خراسانی فرزند حاج شیخ غلامرضا ذاکر خراسانی و از تبار اعلم‌العلمای بیرجندی می‌باشد. درباره انگیزه‌های شیخ محمود حلبی برای تشکیل انجمن موارد متعدد و متفاوتی از سوی منتقدین و هواداران و شاگردان وی مطرح شده است. از جمله دلایل و انگیزه‌هایی که شاید سهم تأثیر بیشتری در حرکت حلبی برای تشکیل انجمن داشته است، می‌توان به شکست سخت انتخاباتی وی برای نمایندگی مردم مشهد در مجلس شورای دوره ۱۸،

۱. سند ساواک به تاریخ ۱۳۵۰/۰۸/۱۳



قوت‌های فرهنگی، بهترین و تنها راه چاره را در نفوذ به آموزش و پرورش و تربیت نسل‌های آینده دانسته و از این طریق با ایجاد مدارس و مجموعه‌های آموزشی برنامه‌های اعتقادی خود را در پیش گرفتند.

نظاره به تعطیلی انجمن

کارشکنی‌های انجمن علیه انقلاب اسلامی تا به آنجا رسید که حضرت امام خمینی علیه السلام با موضع‌گیری رسمی و صریح خود که در صبح ۲۱ تیر ۱۳۶۲ مصادف با عید فطر، درباره معنای انتظار فرج داشتند به نقد نگاه‌های غلطی که به این مسأله وجود داشت^۱، پرداختند و بدون ذکر نام انجمنی‌ها، مواضع غلط آنان را به نقد کشیدند. پس از انتشار سخنرانی حضرت امام خمینی علیه السلام

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۳۴.

فشرده و در سطوح مختلف، متناسب با مبانی خویش پرورش دهد. از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی شیخ محمود حلبی در پیشنهادی به حضرت امام خمینی علیه السلام اعلام می‌کند که ۱۵-۱۶ هزار جوان مومن و مهندس کارآزموده در اختیار دارد که برای اداره مناصب حکومتی می‌تواند در اختیار انقلاب قرار دهد. این پیشنهاد با واکنش منفی امام خمینی علیه السلام مواجه می‌گردد. حضرت امام خمینی علیه السلام ضمن رد پیشنهاد حلبی اعلام کردند که همان کسانی که انقلاب کرده و پیروز شدند، می‌توانند انقلاب را هم اداره کنند.^۱

تعبیر شیوه نفوذ

نکته مهمی که پس از شکست پروژه نفوذ انجمن حججیه در ارکان انقلاب و نظام اسلامی وجود دارد این است که آنها به دلیل

۱. گفت وگویی روزنامه اعتماد با علی اکبر محتشمی پور، دهم آبان ۹۴، شماره ۳۳۸۱

یا نزدیک به انجمن حجّیه و دیگر جریان‌های انحرافی در «منشور روحانیت» منعکس شده است. مطالعه منشور روحانیت که شاید بتوان آن را رنج‌نامه رهبر انقلاب اسلامی و آخرین وصیت ایشان برای حراست و حفاظت از شجره طیبه انقلاب اسلامی دانست، می‌تواند ابعاد و زوایای نهفته یکی از خطرناک‌ترین و خزانده‌ترین جریان‌های انحرافی قرن اخیر را که هنوز هم دست از تلاش برای نفوذ در ساختار قدرت و شبکه فرهنگی کشور برنداشته است، آشکار کند.

حلبی در واکنش به انتقادات و سخنان ایشان طی بیانیه‌ای علی‌رغم اعلام تبعیت از حضرت امام علیه السلام هیچ یک از انتقادات را وارد ندانسته و تعطیلی انجمن را اعلام می‌نماید.

امام خمینی علیه السلام با هوشیاری در یافته بود که تعطیلی انجمن فقط به خاطر حفظ ظاهر و نداشتن قدرت رویارویی با رهبری انقلاب بود. امام در جلسه خصوصی با یادآوری این که انجمن فعالیت خود را تعطیل کرده است و نه منحل، آن را بی‌فایده خوانده بود.

شاخص‌ترین مواضع امام در مقابل انحراف برخی از روحانیون منتسب



اتحاد در مقابل مقدس نمایان احمق

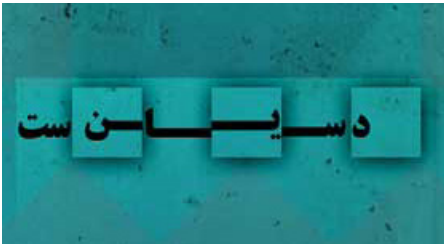
احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام امریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعی‌ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟^۱

در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان



۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷.

نفوذ با شعار جدایی دین از سیاست



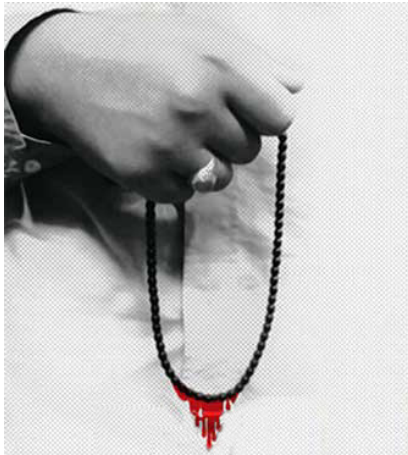
استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارباب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید. اولین و مهم‌ترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون‌شان فقیه و ورود در معرکهٔ سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون

مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست.^۱

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸.

خون دل خوردن امام خمینی علیه السلام از متحجرین

کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک بشمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.^۱



۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸-۲۷۹.

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپس‌گرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند.

خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد.

به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش ببارد و الا عالم سیاست و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت متدیتتر بود. یاد گرفتن زبان خارجی،

تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام باطل است و هزاران «إن قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهر آگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.^۱



۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۹.

ترویج تفکر «شاه سایه خداست»

علمای دین باور در همین حوزه ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی مان نشأت گرفته از همین بارقه است.

البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بی‌سواد، عده‌ای کمر همت بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس‌نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و

خنجر تحجر برگردهی ملت در ۱۵ خرداد

متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوٰه و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به

عاهده داشتند می دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می خواهند ریشه دیانت را و اسلام را برکنند و عده‌ای

روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می نمودند.^۱

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۱۷-۲۱۰.

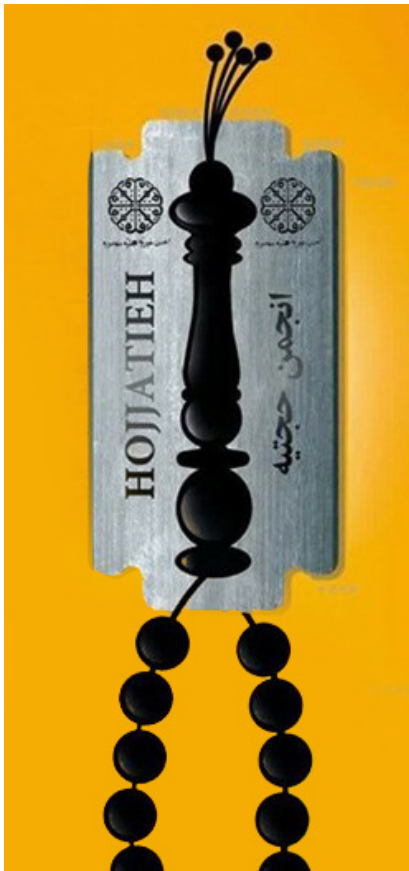
اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با

گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله



زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می سوخت و می درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمتها

شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز



آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین علیه السلام که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است.

شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز با هماهنگی چپی‌ها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه سر در آوردند، باز خدا رسوایشان ساخت.^۱

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۱-۲۸۰.

تهمت وهابیت به روحانیون انقلابی

دسته‌ای دیگر از روحانی نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانهٔ دربار می‌ساییدند، یک مرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آنهمه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند.^۱



۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۱.

از سکوت در مقابل فساد و فحشا تا فریاد «وا اسلاما»

رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند!^۱



دیروز مقدس نماهای بیشعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - را مفید و راهگشا می‌دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۱.

تحریم نبرد با دشمن خدا

دیروز «حجتیه‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند! «ولایتی»های

دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت

و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانوی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند! راستی اتهام امریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرام‌ها و حرام کردن حلال‌ها،

اتهام کشتن زنان آبستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدم‌های لامذهب یا از مقدس‌نماهای متحجر و بی‌شعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ

شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین

یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است.^۱



۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۱.

ساده‌اندیشی ممنوع!

آنان به پست‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود.^۱



من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القائنات روحانی نماها و مقدس‌مآب‌ها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبدا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دل‌سوزی‌های بی‌مورد و ساده‌اندیشی‌ها سبب مراجعت

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۵.

دلخ‌های همه تاریخ را ما به یکباره دیدیم، چرا که ما امت آخر الزمانیم، و خمینی، این ماه بنی هاشم، میراث دار همه صاحبان عهد بود در شب یلدای تاریخ... و دلخ او بردل ما، دلخ همه اعصار، دلخی بی تسلی.

امام علیه السلام بر ما آموخت که «انتظار در مبارزه است» و این بزرگترین پیام او بود و پس از او، اگر باز هم امیدی ما را زنده میدارد، همین است که برای ظهور آخرین حجت حق مبارزه کنیم.

او آمد تا معنای «انتظار» را به این امت بیاموزد، در آینه وجود خود که اسوه مصادیق متظران بود و اکنون دیگر دور افلاک را مرادی نیست جز آنکه متظر مهدی علیه السلام باشد.

شهید سید مرتضی آوینی

روح الله الموهوبی
انجمنی

